

بحث دموکراسی در فرآیند صلح چینی !

پیوسته به گذشته بخش پنجاه و نهم :



محمد امین فروتن



در حد مجالی که امروز داریم تنها می‌خواهم به یک چشمه دیگری از هزارها چشمه ای شعبده بازیها و چشم بندی های دولت موسوم به "وحدت ملی افغانستان!" این تحفهء مشترک حضرت جان کری John Forbes Kerry وزیر خارجه ایالات متحده امریکا ویان کوبیس Jan Kubiš نماینده خاص سازمان ملل برای افغانستان اشاره کنیم . البته این واقعیتی است مشهود و از مقوله توضیح واضحات که نقشه ها ، دست آویزها و شعبده بازیهای شیاطین خورد و بزرگ ، به یکی دو مورد و دهها و صدها و میلیونها مورد ختم نه میشود زیرا وقتی یکی از نامورترین روشنفکران شبه لبرال که هنوز به کاخ ریاست جمهوری افغانستان اجلال نزول نه فرموده بود در بیان دیدگاهش نسبت به بحران موجود در جامعه ما از توهّمات کلاسیک نظام سرمایه داری بهره مند باشد چگونه ممکن است از سائر رجال حقوقی و حقیقی که در کسوت روشنفکران و متفکران نظام بورژوازی بر ستیژجوامع جهان سومی حضور پیدا میکنند امیدی را در دل داشت که شاید بتوانند با تیوری های مجرب و آزموده شده درد ها و آلام جوامع عقب نگهداشته شده جهان سومی را حل کنند ! شما این سخنان متفکر بزرگ افغانستان جناب داکتر اشرف غنی رئیس دولت موسوم به وحدت ملی افغانستان را بشنوید که قبل از پرتاب شدن به قلعه تاریخی ارگ کابل درباره وضعیت عمومی جوامع آسیائی منجمله افغانستان چگونه

می اندیشد و از همه مهمتر بر بنیاد تر صد در صد آزموده شده نظام بازار آزاد اقتصادی که آنرا بینش علمی و اکادمیک و در عین حال نسخه مجرب به حیث یک کاپی برانده " نقل مطابق اصل !! " می داند در بازار مکاره و سیاست عرضه داشته است :

<https://www.youtube.com/watch?v=PCNH0I3JW0>

من اکیداً بر این باورم که اگر جامعه و بدون ایده آل ، بدون ایمان و "خود آگاهی سیاسی و اجتماعی آنچه که رسالت اصلی هر روشنفکر جامعه را تشکیل میدهند ، فقط به دنبال اقتصاد ، پیشرفت صنعتی و به دنبال پیشرفت تخصصی ای که حضرت محمد اشرف غنی دامت برکاته ؛ از آن به مثابه دکتورین پیشرفت و گاهی هم یک اجندای موهوم ملی و تیز اقتصادی یاد میکند برود اگر موفق هم شود که کسب کند ، " که غالباً هرگز به آن نائل نخواهند آمد " همواره مصرف کننده خواهد ماند و به گفته دانشمندی خیال خواهد کرد که تولید کننده است ! درحالیکه از مصرف کننده گان کاسه بدست خواهند بود ! چنانکه این فریب ، فریب بزرگ همه شبه روشنفکران و درس خوانده گان جوامع عقب مانده است و با تطبیق این فورمول بندی های کاذب و نسخه های قرون گذشته که در مقاطع دیگری از تاریخ و جغرافیای سیاسی هر چند مفید و مثمر ثابت شده باشد از نیروی که به یک برده ای محروم ، قدرت مبارزه مسالمت آمیز با بزرگترین قدرت جهانی را اعطای میکند محروم خواهد شد ، این است که اگر نقشه راه به مثابه جوهر اصلی برای پیوند ساختن و مرجم گذاشتن بر تمامی اعضای شکسته و مجروح ملتی که در مسیر حوادث تاریخی منهدم شده است پس از یک زمان لازم برای نقاهت ملت بیمار آن ملت دوباره زنده و تولید کننده و بزرگترین تمدن و فرهنگ خواهند بود . نباید فراموش کرد که به عنوان روشنفکران مسؤل در جامعه اگر فقدان اندیشه و تفکر سازندگی ملی را احساس نکنیم و اگر مسأله ایمان و ایدئولوژی برای ما حل نه شود همواره در مسیر رسیدن به پیشرفت و مدنیت مرهون و برده مصرف کننده گان نیازمند تولید کننده گان خواهیم ماند و ما نیز برای زندگی روزمره بر معبر جغرافیای سرزمین مان اموال و امتعه های تولید کننده گان را از آسیا به اروپا منتقل خواهیم کرد از سخنان گهربار اما پارادوکسیال و لاجزمت محمد اشرف غنی به وضاحت برمی آید که مرغ وی یک پا دارد * و با تنهایی نزد قاضی می رود زیرا در سخنان وجیزه گونه ای که باید بر آب طلائی نگاشته شود **" اقتصاد بازار آزاد "** بر وزن **" بازار آزار "** را با تمامی شان نزولهای تاریخی آن به قرن بیست و یکم و به جغرافیای کشورهای جهان سوم منجمله افغانستان منتقل میسازد و مفادات آن اقتصاد کلاسیک و تاریخی سرمایه داری را به حال جوامع جهان سومی و عقب مانده مناسب تشخیص می فرمایند . چنین جبهه گیریهای حضرت رئیس غنی نه در حد یک اندیشه و دؤمین متفکر جهان که پرداختن به آن حق مسلم وی است بلکه به مثابه تفکر جاده صاف کن اغراضی است که از همان سال های نخست حد اقل تشکیل و تأسیس دولت مؤقت برهبری و الاحضرت حامد خان کرزی که حضرت محمد اشرف غنی یکی از ستون های اصلی این نظام مبارکه مافیائی محسوب میگردید و اکنون پس از تقلبات فروانی بر مبنای همان فورمول نا عادلانه تاریخی در رأس قرار گرفتن وابسته های یک قوم خاصی به قدرت آورده شد زمینه عملی برای اعمال تمامی مفادات و صغری و کبریای تفکر معیوب **قافلوی !!** کاروان های اموال و امتعه ای کشور های خورد و بزرگ منطقه و جهان مساعد گردید . بدون شک اگر این تفکری که بر بینش زندگی روزمرگی کامل مادی استوار است در مقطعی از تاریخ کشور افغانستان تحقق یابد ، سخن گفتن از تمدن و فرهنگ بزرگ ملی و تاریخی مذاقی بیش نیست . و انسان در اعمال چنین تفکر ویرانگر مادی آنچه را که از دست میدهد و در پاهای زندگی

روزمره و **یخچال** و **موتر ضد گلوله و بادی گارد** و **خانه مفشن در شمال شهر** و غیره ذبح شرعی میکند، **عصیان** و توان **نه گفتن** در تاریخ بشر است که انسان را با احراز مقام خلافت الهی شبیه به خداوند ساخته است. مسلماً کسی که مزه لذت چنین **عصیان** و **نه گفتن** را مزه لذت آزادی و آگاه بودن را چشیده باشد به هیچ قیمتی و در برابر هیچ چیزی عوضش نه میکند.

خدا را شکر که حریف بیدار است !



از زمین و آسمان توطئه می بارد ، ملت افغان را همچون **هفتاد و دو تن** در شب عاشوری محاصره کرده و با انهدام آرتش و در اختیار قرار دادن بسیار از قطعات آن در دست دلالان بیرون از مرزهای کشور آب را بر وی ملت ما بسته اند و باران شعار و پیشرفت مصنوعی را گشوده اند و در این میان " ما " و اگر نه "بسیاری " از ما چنان آسوده خفته ایم که مگر شیپور قدرت مصنوعی و القاب استخباراتی مزمن **** بیدار مان کند . !**

<https://www.youtube.com/watch?v=zKgeHbnMrMQ>

اما در عین حال خدا را شکر که اگر ما غافلیم حریف ما هشیار است و بیدار ! و بر مصداق « عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد » سروصداهای حریفان ما را هم از خواب بیدار میکند از حریف باید سپاسگذار بود که هر بار هجوم زنگیان مست درسی بزرگی به ما می آموزد . در ارگ حضور پیدا میکنند و تمامی آزدها های قدرت را واکسین میزند .

به خوبی و مانند روز روشن است که قبل از اجلال نزول حضرت جان گیری و یان کوبیس این دو یار با وفای مافیای از دیر بدینسو در امور داخلی ما مداخله شرعی !!! مینمائند و در راستای تعیین سرنوشت ما که از مادر زاد دچار اعتیاد مزمن به ثروت و قدرت مصنوعی بوده ایم برای اداره ای امور مملکت نسخه مجرب اما نا آزموده شده بنام " حکومت وحدت ملی افغانستان " نوشتند و پیچاندند . جالب و سخت شگفت انگیز است که پس از نخستین لحظات رونمایی این نسخه که نقشه راه جامعه مجروح افغانستان باید خوانده شود پهلوانان پنبه ای و مصنوعی ای معتاد بر ثروت چنان آرامش یافتند

که به جز فضائل و کرامات این نسخه همه آنچه که قبلاً با سر دادن شعار های قومی ، نژادی ، مذهبی و حتی جهادی می گفتند که اگر چنین و چنان نشود فلان قوم و گروه و دسته ای آسمان را بر زمین خواهند آورد ، ..

<https://www.youtube.com/watch?v=dbE0knUzTQ0#t=15>

..اما چگونه شد که این همه پهلوانان پنبه ای چون مارانی که از گرما پوست میکشند در نخستین ساعت اعلام تشکیل موسوم به طرح وحدت ملی افغانستان به زیر زمین خزیدند و به مراقبه افتیدند ؟ البته هیچکسی نه فهمید که دیگر آن چشمه های که از جلگه های استخباراتی جهان ومنطقه به سوی دشت های آرگ شریف !! سرازیر میشد چرا روبه خشکیدن شد ؟ و از روزی که حسین بارک اوباما عضو کمیته مالی کنگره امریکا در دوران بوش پسر بحیث رئیس جمهور ایالات متحده امریکا انتخاب شد در نخستین ساعات ورود به کاخ سفید و در نخستین سخنرانی اش اعلام داشت که دیگر به رئیس کرزی چک سفیدی را اعطاً نخواهیم کرد !!

ادامه دارد

- * : آنچه که در باره رجال متکبر و خود خواه معروف است و تکبر و خود خواهی آنها را با این تشبیه تمثیل میکنند که فلان کس مرغ اش یک " لینگ " دارد یعنی یک دنده و متحجراست .
- ** : القاب استخباراتی مزمن القابی است که شبکه های استخباراتی بدون آنکه مهره های آن آگاهی داشته باشد در صورت لزوم از سوی وسائل ارتباط جمعی نشر و پخش میگردد .